خراسان روزنامه صبح ایران
شنبه ۲۸ مهر ۱۳۹۷ . ۱۰ صفر ۱۴۴۰ . شماره ۱۹۹۴۳

سعودی پس از بحران خاشقچی دیگر حمایت جهانی را نخواهد داشت

دبیر کل حزب‌ا... لبنان با بیان این که حکومت سعودی پس از بحران خاشقچی دیگر حمایت جامعه جهانی را نخواهد داشت، افزود: مسئله ربایش، شکنجه، قتل و مُثله کردن خاشقچی با اژه تقریبا قطعی شده است. حکام سعودی در شرایط سختی قرار دارند. وی با اشاره به تحولات غزه گفت: دشمن فلسطینیان را میان دو راه قرار داده است یا در گیری یا مرگ با گرسنگی؛ نصرا... روزهای آینده را برای غزه و منطقه روزهای سرنوشت سازی دانست.

تحلیل روز

صابر گل عنبری
international@khorasannews.com

«قربانی سازی» برای خواباندن غائله

عربستان سعودی در پرونده ناپدید شدن خاشقچی بیش از پیش مستأصل شده و برخی این احتمال را می‌دهند که ریاض برای بیرون کشیدن خود از این باتلاق به پروژه «قربانی سازی» متوسل شود. به احتمال زیاد دیوان پادشاهی عربستان به زودی و شاید ظرف دو سه روز آینده نتیجه تحقیق(!) خود درباره قتل خاشقچی را منتشر کند. در این میان به طور حتم عده‌ای قربانی می‌شوند و قضیه به "محمد العتیبی" سرکنسول ریاض در استانبول که برکنار شد و گفته می‌شود تحت بازداشت و بازجویی است، ختم نخواهد شد. این ماجرا به یک قربانی مهم‌تر از او نیاز دارد. احتمالا پس از انتشار نتیجه تحقیق، فیلمی از بازداشت تیم ۱۵ نفره که ترکیه آن‌ها را متهم به قتل خاشقچی دانست و تصاویرشان را رسانه‌ای کرد نیز منتشر شود. ینی شفق روزنامه نزدیک به دولت ترکیه نیز خبر از قتل مشکوک یکی از افراد این جمع به نام "مشعل سعد بستانی" ۳۱ ساله داد که در یک سانحه رانندگی در عربستان کشته شده است. اگر با انتشار این گزارش آب‌ها از آسیاب نیفتد که احتمال آن کم است، دور از ذهن نیست که چه محمد بن سلمان و چه دولت ترامپ برای خواباندن این غائله دست به اقدامی در منطقه بزنند. این اتفاق می‌تواند اعلام یک طرفه پایان حملات هوایی ائتلاف به یمن باشد یا گشایشی در بحران با قطر یا تشدید اقدامات آمریکا علیه ایران یا ایجاد تنشی حاد در منطقه‌ای دیگر از خاورمیانه آشوب زده. البته دامنه و زمان این تنش باید محدود باشد تا سیاست ترامپ علیه ایران بیش از این تحت الشعاع قرار نگیرد. به نظر می‌رسد که یک اتفاق برای انحراف افکار عمومی و تغییر دادن مسیر توجه رسانه‌ها به مسئله‌ای غیر از ترور خاشقچی نیاز است.

اندیشکده روز

فرصت «ماجرای خاشقچی» برای تهران

اندیشکده چتم هاوس در یادداشتی با اشاره به ناپدید شدن روزنامه نگار منتقد آل سعود نوشت: این تازه‌ترین گام اشتباه عربستان بود که به لحاظ ژئوپلیتیک به نفع ایران است. ریاض گام‌های اشتباه دیگری هم داشت که برای تهران تبدیل به فرصت شد. با توجه به تحریم‌های آمریکا، فشاری که با هماهنگی این کشور، عربستان، امارات و اسرائیل علیه ایران وارد می‌شود و همزمان با تلاش‌های اتحادیه اروپا برای حفظ توافق هسته‌ای موسوم به برجام پس از خروج آمریکا از آن مواجه شده بود، فرصتی بهتر از این نمی‌توانست نصیب ایران شود. ایران بارها از سوء محاسبات عربستان برای بهره گیری از اهرم فشار و حفظ خود در برابر انزوای منطقه‌ای استفاده کرده است. جنگ یمن و رابطه محکمی که ایران با مخالفان ائتلاف تحت امر عربستان برقرار کرد، 'سعد حریری' نخست وزیر لبنان که به مدت کوتاهی در بند عربستان بود و ایران با او ابراز همبستگی کرد و بحران قطری که تهران با هدف تشدید تاثیرات محاصره دوحه از سوی عربستان و دیگران، بلافاصله شروع به تامین مواد غذایی برای قطر کرد، از مصادیق استفاده تهران از فرصت‌های ناشی از اقدامات اشتباه ریاض است. اکنون، این پرسش مطرح است که ایران تا چه حد برای استفاده از قضیه خاشقچی تلاش خواهد کرد؟ استفاده از انتقادهای بین المللی علیه دشمن دیرینه اش در منطقه، بهترین امتیازی است که ایران می‌تواند با کمترین کار و نگفتن هیچ حرفی به آن دست یابد. این قضیه می‌تواند توجه و تمرکز را از توافق هسته‌ای، حضور منطقه‌ای و برنامه موشک‌های بالستیک به سمت دیگری سوق دهد. علاوه بر این، ایران می‌تواند شاهد تضعیف احتمالی رابطه آمریکا و عربستان باشد. تهران همچنین می‌تواند از قیمت رو به افزایش نفت نیز بهره ببرد. عربستان تهدید کرد که با استفاده از اهرم هایی مانند قیمت نفت با تهدید آمریکا تلافی می‌کند، از این رو، ایران می‌تواند تا پیش از اعمال تحریم‌های آمریکا از شرایط نهایت استفاده را ببرد. در فرجام، ایران تلاش خواهد کرد تا از این قضیه برای رفع اختلافات با عربستان استفاده کند و به تنش‌ها در روابط دو کشور پایان دهد. ریاض تا پیش از بحران خاشقچی به تلاش‌های تهران برای رفع تنش‌ها پاسخ منفی داده بود. حال باید منتظر ماند و دید که تهران می‌تواند ورق را برگرداند و عربستان را به بازنگری و محاسبه دوباره سیاست‌ها متقاعد کند. «چتم هاوس» که در ابتدا عنوان «مؤسسه سلطنتی امور بین الملل» را داشت در پنجم ژوئیه سال ۱۹۲۰ میلادی در لندن تأسیس شد. بعدها و در سال ۲۰۰۴ میلادی این نهاد به «چتم هاوس» که برگرفته از نام ساختمان مقر این مؤسسه در میدان سنت جیمز لندن است، تغییر یافت.

قاب بین الملل

نمایشگاهی خیابانی در لس آنجلس آمریکا با عنوان کابینه وحشت و در انتقاد از دولت ترامپ برپا شده است. هنرمندان آمریکایی تصاویری کاریکاتوری درباره ترامپ و شماری از مقامات دولت او به نمایش گذاشته اند. آن‌ها روی این تصاویر عبارت‌های معناداری از قبیل "قلدر، مجرم و کابینه وحشت" نوشته اند. در تعدادی از این نقاشی‌ها مقامات دولت ترامپ با بینی دراز ترسیم شده اند که یادآور شخصیت دروغگوی کارتونی پینوکیوست.

ترور فرمانده پلیس قندهار ۲ روز مانده به انتخابات توسط طالبان

دیوار امنیت جنوب فرو ریخت

شریفی- دو روز مانده به انتخابات پارلمانی یعنی حدود ساعت ۴ عصر پنج شنبه، در حالی که مذاکره ژنرال عبدالرازق با ژنرال میلر به مشاجره می انجامد، فرمانده نیروهای آمریکایی دفتر استاندارد را ترک می کند و به سمت بالگرد خود می رود. درست در همین لحظه است که فرمانده پلیس و رئیس امنیت ملی استان قندهار توسط «گلبدین» محافظ شخصی استاندار ترور می شوند و دیوار امنیت جنوب فرو می ریزد. طولی نمی کشد که نیروهای طالبان مسئولیت این حمله را بر عهده می گیرند. همان هایی که طی هفته های گذشته دو بار در دفتر سیاسی خود در قطر، بازلمی خلیل زاد نماینده ویژه آمریکا دیدار کرده اند. گفتنی است که والی قندهار نیز زخمی شده و در بیمارستان بستری است. این روایتی از جلسه ای است که قرار بود با موضوع تامین امنیت انتخابات برگزار شود. یک روز پس از ترور عبدالجبار قهرمان، نامزد مطرح استان جنوبی هلمند، جلسه ای امنیتی در دفتر استاندار قندهار (استانی در جنوب شرق افغانستان) برگزار شد. ژنرال «عبدالرازق اچکزی» فرمانده پلیس قندهار، ژنرال «عبدالمؤمن حسین خیل» رئیس امنیت ملی قندهار، «اسکات میلر» فرمانده جدید نیروهای آمریکایی در افغانستان و استاندارد قندهار در این جلسه حضور داشتند؛ جلسه ای که به خون کشیده شد. در افغانستان عبدالرازق اچکزی ۴۰ ساله که سال ۲۰۱۱ به سمت رئیس پلیس قندهار منصوب شد، از چهره های قاطع در برابر پاکستان و طالبان شناخته می شد و نقش اور ادر امنیت منطقه جنوبی افغانستان کلیدی می دانستند. این حمله شاید یکی از مهم‌ترین رویدادهای امنیتی در ۱۷ سال گذشته افغانستان باشد. ژنرال عبدالرازق، یکی از مقتدرترین فرماندهان دولت در جنوب افغانستان بود که توانست، امنیت نسبی را به مردم باز گرداند. در منطقه ای که خاستگاه طالبان است این حمله و به‌ویژه حمله به ژنرال عبدالرازق، می‌تواند توازن امنیتی در جنوب افغانستان را متحول سازد. حالا در غیاب «قهرمان» و «اچکزی» به عنوان چهره های باتجربه و قاطع، طالبان می‌تواند مناطق تحت نفوذ خود را گسترش دهد. اشرف غنی، رئیس جمهور افغانستان، تیمی را برای بررسی این موضوع به قندهار فرستاده است. پیش از این، فرمانده پلیس قندهار نزدیک به ۱۰ بار هدف سوء قصد قرار گرفته بود. اکنون در سایه این امنیت متزلزل، مردم افغانستان پای صندوق های رای می روند تا از میان حدود ۲۵۰۰ نامزد، ۲۴۹ تن از آن ها را به کرسی نمایندگی پارلمان بنشانند. در این میان انتخابات استان قندهار به دلیل ناامنی با یک هفته تاخیر برگزار خواهد شد. این انتخابات در حالی برگزار می شود که طالبان ضمن تحریم انتخابات، تهدید به حمله به مراکز انتخاباتی کرده است.

■ **ژنرال عبدالرازق که بود؟**

ژنرال عبدالرازق اچکزی از فرماندهان جوان و مشهور اهل (سپین بولدک) قندهار بود، که نقش مهمی در نبردهای قندهار داشته و به دلیل فرماندهی عملیات های مختلف در استان های جنوبی افغانستان، پایه ثبات و امنیت جنوب تلقی می شد. وی با ائتلاف نجات افغانستان (ائتلاف عطامحمد نور، ژنرال دوستم و محمد محقق) هم پیمان بود. محمد اشرف غنی، رئیس جمهوری افغانستان و فرمانده عبدالرازق، روابط بسیار گرمی نداشتند. رازق در زمان طالبان اسیر این گروه شد اما موفق شد از دست آن ها فرار کند. پدر و عمویش توسط جنگجویان این گروه کشته شده بودند. فرمانده رازق از آغاز فعالیت دولت های پس از طالبان در نقش فرمانده پلیس مرزی قندهار در سپین بولدک در مرز ناآرام افغانستان با پاکستان کار کرد. با اوج گرفتن حملات طالبان و رسیدن پای جنگجویان این گروه به دروازه های ورودی شهر قندهار، احمدولی کرزی، رئیس پیشین شورای ولایتی قندهار و اسدا... خالد، والی سابق قندهار، از او برای مقابله با این تروریست ها کمک خواستند. ژنرال رازق با راه اندازی اولین عملیات مستقل نیروهای افغان در سال ۲۰۰۸، طالبان را که با هدف کنترل بر قندهار تا حومه های شهر رسیده بود، عقب زد. با کشته شدن خان محمد مجاهد، فرمانده سابق پلیس قندهار در سال ۲۰۱۱، ژنرال رازق بر کرسی فرماندهی پلیس ولایت تکیه زد. توفیق این ژنرال در سر کوب شورشیان در قندهار و فراهم کردن زمینه های بازسازی شهر، محبوبیت و نفوذ او را در بین مردم چند برابر کرد. دامنه نفوذ ژنرال رازق فراتر از قندهار، تا ارزگان، زابل و هلمند هم می‌رسید. گفته می‌شد در حوزه جنوب هر جا که شورشیان جولان می دادند، ژنرال رازق هم پیدا می‌شد.

رانندگی پوتین و سیسی در پیست فرمول یک سوچی

غروب غرب در شاخ آفریقا

عبدالفتاح سیسی، رئیس جمهوری مصر که برای دیدار با مقامات روسی، به این کشور سفر کرده است، در بخشی از این سفر به همراه ولادیمیر پوتین همتای روس خود به سوچی رفت؛ سواری در پیست اتومبیلرانی فرمول یک یکی از برنامه های آن ها در این سفر بود. ولادیمیر پوتین خود، پشت فرمان نشست و سیسی در صندلی بغل، کنار رئیس جمهور روسیه در پیست فرمول یک سوچی دور زدند. از زمان بر کناری مرسی از ریاست جمهوری، این چهارمین باری است که السیسی به روسیه سفر می کند. کارشناسان و تحلیل گران مسائل بین المللی، سفر السیسی به روسیه و تاکید قاهره بر تقویت مناسبات با مسکو آن هم پس از وقفه ای طولانی مدت را دارای اهمیت می دانند. اگر چه دو کشور در گذشته و به‌ویژه در دوران جمال عبدالناصر ارتباط بسیار نزدیکی با یکدیگر داشتند اما سال ۱۹۷۲ و پس از روی کار آمدن انور سادات، رویکرد قاهره به صورت کلی دچار تغییر شد. انور سادات معتقد بود که بهتر است مصر به جای شوروی به دنبال جایگزینی قدرت برتر آن دوران یعنی آمریکا باشد. به همین دلیل او استراتژی نزدیک شدن به غرب را در پیش گرفت و در کمتر از یک هفته، بیش از ۱۷ هزار مستشار روسی را از مصر خارج کرد تا همکاری نظامی دو کشور قطع شود و به مرور آمریکا جای شوروی را در مصر بگیرد. این استراتژی پس از سادات و در دولت حسنی مبارک نیز ادامه یافت. اما با تحولات بیداری اسلامی در شمال آفریقا، روس‌ها که پس از فروپاشی شوروی دوباره در حال بازیابی اقتدار خود بودند، در صدد بازگشت مجدد به منطقه و به‌ویژه مصر برآمدند. تلاش‌های پوتین برای «روابط خاص بین مسکو و قاهره» و دعوت رسمی او از مرسی هم نتوانست سد محکمی را که آمریکا در برابر روسیه در آن سوی کانال سوئز ایجاد کرده بود، بشکند. بر کناری محمد مرسی از قدرت و روی کار آمدن السیسی در مصر، تحولات را به گونه‌ای رقم زد که حکام مصر به این نتیجه رسیدند که آمریکا دیگر قابل اعتماد نیست و باید به سمت شرق روی بیاورند. آمریکا که در غرب آسیا متحد حکومت‌های خودکامه و دیکتاتوری‌های شاهانه است، حاضر به پذیرش تحولات مصر نشد و آن را «کودتا» خواند و بلافاصله کمک یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلاری سالانه خود به مصر و همچنین فروش جنگنده‌های اف-۱۶ به این کشور را به حال تعلیق درآورد. این موضوع باعث تیرگی روابط مصر با غرب و به‌طور خاص با آمریکا شد. جدا از اختلافاتی که بین آمریکا و مصر به وجود آمده بود، نقاط اشتراک مسکو و قاهره به‌ویژه اتفاق نظر درباره لزوم جلوگیری از قدرت گرفتن دوباره اخوان المسلمین، موضوعی بود که می‌توانست مصر را متمایل به چرخش ۱۸۰ درجه‌ای در سیاست خارجی خود کند. روسیه هم البته از این فرصت تاریخی به درستی بهره برد. برخلاف سیاست آمریکا در مصر، روس‌ها تلاش کردند در تمامی حوزه‌ها مناسبات خود با این کشور را توسعه دهند. این سیاست بخشی از سند سیاست خارجی روسیه است که در آن مسکو باید تا سال ۲۰۲۰ برای رویارویی با مسائل جهانی شدن و تامین منافع ملی خود، مناسباتش را با آمریکای لاتین، آفریقا و غرب آسیا افزایش دهد.

■ **قاهره و «نگاه به شرق»**

با وجود همراهی نسبتا مطلق مصر از سیاست‌های آمریکا، این کشور هیچ‌گاه نتوانست از منافع این همراهی بهره ببرد. پس از قیام مردمی و بر کناری حسنی مبارک، نیمی از جمعیت ۸۰ میلیون نفری مصر زیر خط فقر زندگی می کردند و آمریکا نیز حاضر به ترمیم وضعیت اقتصادی این کشور نبود. روس‌ها اما برخلاف آمریکا، تلاش می کنند برای گسترش همکاری‌ها با قاهره، در تمامی حوزه‌های مورد نیاز این کشور، نقش آفرینی و این ارتباط را به روابط استراتژیک تبدیل کنند. بر همین اساس نیز سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه به تازگی اعلام کرده است مسکو طرح ایجاد منطقه صنعتی ویژه روسیه در کانال سوئز مصر را در دستور کار خود قرار داده است. هم اکنون حجم مبادلات تجاری دو کشور از مرز شش میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار فراتر رفته است. دو کشور آذر سال گذشته در خصوص استفاده از حریم هوایی یکدیگر به مدت پنج سال به تفاهم رسیدند که بر اساس آن، جنگنده‌های مصر و روسیه از ۱۰ روز قبل درباره استفاده از فرودگاه‌ها و حریم هوایی دو کشور به یکدیگر اطلاع می‌دهند. روسیه جای خالی تجهیزات نظامی آمریکایی در قاهره را نیز پر کرده و با توافقنامه تسلیحاتی چند میلیارد دلاری حاضر به فروش جنگنده میگ ۲۹، بالگرد ام ۳۵، سامانه موشکی ساحل به دریا، سامانه‌های مختلف دفاع هوایی، مهمات و سلاح سبک به مصر شده است. اما نقطه اوج همکاری دو کشور که زمینه ساز همکاری‌های گسترده و پایدار در آینده خواهد بود، ساخت نخستین نیروگاه هسته‌ای در مصر است. مصر و روسیه در ۱۹ نوامبر ۲۰۱۵ توافق ساخت و راه اندازی نخستین نیروگاه هسته‌ای را برای تولید برق در منطقه الضبعه واقع در شمال غرب این کشور طی هفت سال به ارزش ۲۹ میلیارد دلار امضا کردند. این موضوع نشانه تصمیم مصر برای ایجاد یک شراکت راهبردی محکم و طولانی مدت با روسیه است، امری که در و رئیس جمهور در کنفرانس مطبوعاتی مشترک خود به آن اشاره کرده‌اند.

فیگارو: جلسه هیئت بیعت سعودی برای حذف بن سلمان و انتخاب جانشین او برگزار شد

ولیعهد در لبه پرتگاه

ضرباهنگ آخرین پرده تراژدی پرسوز و گداز ناپدید شدن خاشقچی به شدت تند شده و هر ساعت گزارش رسانه‌ها از این معما با خبر یا واکنشی تازه به روز رسانی می‌شود. محمد بن سلمان ولیعهد سعودی نیز در حالی که از سوی جامعه بین المللی به خاطر ناپدید شدن جمال تحت فشار قرار دارد، به نظر می‌رسد در داخل دربار سعودی هم تحت فشار قرار گرفته و خبرها و گزارش‌ها از کاهش قدرت یا خلع وی از منصب ولیعهدی حکایت دارد. در همین زمینه، روزنامه فرانسوی فیگارو به نقل از یک منبع دیپلماتیک فرانسوی از تشکیل جلسه هیئت بیعت سعودی برای جانشینی بن سلمان خبر داده است. این روزنامه فرانسوی نوشت: هیئت بیعت عربستان به دنبال تعیین جانشینی برای ولیعهد سعودی و تدارک برای عزل محمد بن سلمان است. به نوشته فیگارو، اگر خالد بن سلمان سفیر ۳۰ ساله عربستان سعودی در واشنگتن به عنوان جانشین ولیعهد تعیین شود این اقدام به معنای آن است که محمد بن سلمان نه به صورت فوری بلکه در میان مدت منصبش را ترک خواهد گفت. پیشتر نیویورک تایمز نیز مدعی شده بود که «خالد بن سلمان» احتمالا دیگر به عنوان سفیر عربستان سعودی در واشنگتن به آمریکا باز نمی گردد. به نظر می‌رسد دو سناریوی ممکن در این باره وجود دارد: نخست؛ خلع ناگهانی و فوری محمد بن سلمان از ولیعهدی عربستان سعودی که به نظر می رسد با موانعی روبه روست. سناریوی دوم و محتمل‌تر این است که در کوتاه مدت خالد بن سلمان به عنوان جانشین ولیعهد انتخاب شود (با توجه به این مسئله که پست و جایگاه جانشین ولیعهد هم اکنون خالی است). همزمان رویترز نیز به نقل از منابع نزدیک به خاندان سلطنتی گزارش داد که ملک سلمان شخصا مدیریت بحران خاشقچی را در اختیار گرفته و ضمن اعزام فرماندار مکه به استانبول در حال بررسی قدرت اعطایی به محمد بن سلمان است. حتی روزنامه تایم هم در یادداشتی در این باره نوشته است: اگر ملک سلمان تصمیم بگیرد ولیعهد را قربانی کند احتمالا ترجیح خواهد داد که این پست همچنان متعلق به این خانواده باشد و همین موضوع باعث شده خالد بن سلمان جایگزین احتمالی باشد. متعب بن عبدا... بن عبدالعزیز وزیر گارد ملی عربستان که پس از روی کار آمدن بن سلمان از این مقام برکنار شد، محمد بن نایف که به فرمان ملک سلمان از مقام ولیعهدی برکنار شد و بن سلمان جای او را گرفت، شاهزاده ترکی که فرماندار سابق ریاض بود اما در جریان مبارزه با فساد بن سلمان ناچار به کناره گیری شد؛ می‌توانند رقبای بالقوه محمد بن سلمان باشند. اکنون پرسشی که رهبران آل سعود با آن روبه رو هستند این است که آیا بن سلمان می‌تواند رؤیایش را عملی کند و بر روی کرسی پادشاهی بنشیند یا خیر. در یک نگاه، به نظر بعید می‌رسد که پسر مورد علاقه ملک سلمان خود از قدرت دست بشوید یا پادشاه او را کنار بگذارد. البته حتی اگر ملک سلمان هم بخواهد چنین چیزی اتفاق بیفتد، در قحطی رجال سیاست عربستان چه گزینه‌ای برای این مقام وجود دارد؟ اکنون تمام رقبای بن سلمان یا در زندان به سر می‌برند یا از ترس، جرئت فکر کردن به آن را ندارند.

■ **آمریکا تند تر می‌شود؟**

همزمان، پلیس ترکیه نیز در حال جست وجوی جنگل‌های حاشیه استانبول برای رسیدن به سرنخ‌های تازه در پرونده ناپدید شدن و قتل احتمالی جمال است. کارآگاهان از کنسول گری عربستان و اقامتگاه کنسول در جریان بازرسی‌ها برای مطابقت با نمونه دی ان ای خاشقچی نمونه برداری کرده‌اند. یک مقام ارشد دولت ترکیه هم به شبکه خبری ای بی سی گفت که مایک پمپئو وزیر خارجه آمریکا فایل صوتی ضبط شده‌ای را که ادعای قتل این روزنامه نگار را تایید می کند شنیده است. با این همه هدر نوارت، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا این موضوع را تکذیب کرده است. دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا نیز چند ساعت پس از گفت و گو با وزیر خارجه‌اش در صحبت با خبرنگاران برای اولین بار پذیرفت جمال خاشقچی "دیگر زنده نیست". "او گفت شواهد "از همه طرف" این موضوع را نشان می‌دهد. رئیس جمهور آمریکا تاکید کرد اگر شواهدی به دست بیاید که حاکی از نقش دولت عربستان در مرگ خاشقچی باشد "پرسش‌های بسیار جدی درباره اتحاد میان آمریکا و عربستان به میان خواهد آمد. "او اضافه کرد همچنان برای نتیجه گیری قطعی زود است و باید منتظر نتیجه تحقیقات شد. پیشتر مایک پمپئو به خبرنگاران گفته بود به رئیس جمهوری توصیه کرده چند روز دیگر به عربستان وقت بدهد تا تحقیقات خود را به پایان برساند. این در حالی است که سروان مشعل یکی از افسران نیروی هوایی سعودی پس از اجرای عملیات کشتن خاشقچی، بر اثر سانحه رانندگی در ریاض کشته شد. مشعل یکی از ۱۵ سعودی بود که هنگام حضور خاشقچی در کنسولگری سعودی در استانبول در ساختمان این کنسولگری بود.

روایتی تکان دهنده از حرمسرای قذافی

"بدنم دیگر از آن من نبود"

«هرگز این لحظه را فراموش نخواهم کرد. او فقط به بدنم تعرض نکرد بلکه روحم را نیز با دشنه‌ای سوراخ کرد. آن دشنه هرگز بیرون نیامد. همان جا ساکن و بی حرکت افتاده بودم و فقط گریه می کردم. قذافی به جادوی سیاه معتقد بود. او برای جادو و جنبل‌هایش به خون دختران باکره نیاز داشت.» ۲۰ اکتبر مصادف با ۲۸ مهرماه سال مرگ معمر قذافی، دیکتاتور معدوم لیبی است. آنیک کوژان در بخشی از کتاب خود به نام «حرمسرای قذافی» می نویسد: قذافی دارای حرمسراهایی بوده است که در محل اقامت او قرار داشته و شامل اتاق‌ها یا آپارتمان‌های کوچک بوده است. زنان حاضر در این حرمسرا موظف بوده‌اند که با لباس نیمه عریان نزد قذافی حضور پیدا کنند و هر ساعت از شبانه‌روز باید آماده به خدمت می بوده‌اند. این زنان مورد تجاوز قرار می گرفتند، کتک می خوردند و با تحقیرآمیزترین روش‌ها از آنان سوءاستفاده جنسی می‌شد. قذافی روزانه برای فرونشاندن آتش شهوت خود به چندین دختر جوان نیاز داشت اما تنها به زنان بسنده نمی کرد بلکه گاهی در حضور دختران به پسران جوان هم تجاوز می کرد. قربانیان تجاوز جنسی قذافی به دلیل ترس از کشته شدن به دست خانواده‌ها و بستگان خود، از آن‌ها بریده بودند و علاوه بر این می خواستند شرافت خانواده‌هایشان لکه‌دار نشود. یکی از قربانیان حرمسرا دختر جوانی به نام «ثریا» است؛ دختری که در ۱۵ سالگی ربوده و به مدت پنج سال در زیرزمین دژ قذافی بیرون از «طرابلس» نگهداری شد. او می گوید که روزانه با خشونت تمام مورد تجاوز، ضرب و شتم قرار گرفته و شاهد آزار جنسی دختران و پسران دیگر هم بوده است. ثریا درباره اولین دیدارش با قذافی می گوید: «قذافی لخت مادرزاد روی تخت دراز کشیده بود و سعی در تجاوز به من داشت. زمانی که با او مجادله کردم مرا برای تنبیه به دست رئیس حرمسرای خود سپرد. جرئت نگاه کردن در چشمانش را نداشتم. قذافی گفت نترس، من پدر، برادر و معشوقه تو هستم. من نقش تمامی این افراد را برای تو ایفا خواهم کرد. تو باید برای همیشه در کنار من باشی و با من زندگی کنی! قذافی اغلب کاری به کار همسرش نداشت و همیشه وانمود می کرد که مخالف سرسخت چندهمسری است. تیم حفاظت و بادیگاردهای قذافی را زنان زیبا و بلندقامت تشکیل می دادند؛ زنانی که هر روز خروارها غم را با خود به دوش می کشیدند. حالا شش سال است که قذافی مرده اما هنوز که هنوز است نام او بر اندام زنانی نحیف لرزه می اندازد؛ زنانی که حالا معلوم نیست کجایند و چه می کنند.

بااانتخابات ۲۰۱۸ کنگره

اکثریت مجلس نمایندگان و سنا به کدام حزب می‌رسد؟

سه سناریوی پیش رو

در سیستم حکومتی آمریکا قوانین مهم از جمله میزان مالیات‌ها و وضعیت خدمات بهداشتی و درمانی باید به تصویب هر دو مجلس و ریاست جمهوری برسد. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد در انتخابات ششم ماه نوامبر، جمهوری‌خواهان اکثریت را در مجلس نمایندگان از دست خواهند داد اما در مجلس سنا همچنان اکثریت را در اختیار خواهند داشت. نتیجه انتخابات میان دوره‌ای کنگره در حوزه‌های مختلف آثار مهمی بر بازارهای مالی، اقتصاد آمریکا و روابط سیاسی و اقتصادی این کشور با دیگر کشورها دارد و بر همین مبنا، فعالان اقتصادی باید خود را برای سناریوهای مختلف پس از انتخابات آماده کنند. البته مسلم است که ترامپ سیاست‌های خود را حتی اگر جمهوری‌خواهان اکثریت را در مجلس نمایندگان از دست بدهند ادامه خواهد داد، اما او در مسیر اجرای برنامه‌های خود با موانع بیشتری مواجه خواهد شد. به دلیل اهمیت بسیار انتخابات میان دوره‌ای امسال، نظرسنجی‌های متعددی درباره نتیجه آن صورت گرفته است. در ادامه به سه سناریو که درباره نتیجه انتخابات و آثار تحقق هر سناریو مطرح شده اشاره می کنیم. سناریوی نخست، کسب اکثریت از سوی دموکرات‌ها در مجلس نمایندگان و حفظ شدن اکثریت جمهوری‌خواهان در مجلس سناست. این محتمل‌ترین سناریوست؛ زیرا بسیاری از رای دهندگان از ترامپ و سیاست‌های او در دو سال اخیر راضی نیستند و به دموکرات‌ها رای خواهند داد. ترامپ در حوزه‌هایی نظیر مهاجرت، تجارت با شرکای تجاری آمریکا و خروج از پیمان‌های بین المللی به ویژه پیمان آب و هوای پاریس، زمینه نارضایتی مردم را فراهم کرده است، البته وضعیت بازار کار در دو سال اخیر بهتر شده اما با این حال بسیاری از آمریکایی‌ها معتقدند بهبود شرایط اقتصادی حاصل سیاست‌های دولت قبل و نیز بانک مرکزی در دوره ریاست خانم یلن است و باید به این واقعیت اشاره شود که تنش‌های تجاری بین آمریکا و شرکای تجاری و اعمال تعرفه بر کالاهای چینی که مسلما سبب افزایش قیمت کالاهای مصرفی در آمریکا در آینده خواهد شد مورد رضایت مردم این کشور نیست. پیش بینی شده دموکرات‌ها بر تری ۸ درصدی نسبت به جمهوری‌خواهان خواهند داشت و این میزان اختلاف برای کسب اکثریت در مجلس نمایندگان کافی است. تغییر در مجلس سنا بزرگ نخواهد بود؛ زیرا تنها بر سر ۳۵ کرسی از ۱۰۰ کرسی این مجلس رقابت خواهد شد. اگر این سناریو تحقق یابد، هر گونه لایحه جدید از سوی ترامپ به مجلس نمایندگان ارائه شود با مخالفت آن‌ها مواجه خواهد شد اما این به معنای بسته شدن دست ترامپ در تمامی حوزه‌ها نیست. همچنین بر مبنای این که لایحه در چه موضوعی باشد احتمال توافق جمهوری‌خواهان و دموکرات‌های مجلس نمایندگان و تصویب آن چه ترامپ می‌خواهد وجود دارد. هم اکنون جو سیاسی به شکلی نیست که چنین مصالحه و توافقی محتمل باشد اما احتمال آن را نمی‌توان رد کرد. سناریوی دوم پیروزی جمهوری‌خواهان در هر دو مجلس نمایندگان و سناست. البته احتمال تحقق این سناریو زیاد نیست. اگر نظرسنجی‌هایی که تاکنون انجام شده اشتباه باشد یا در لحظه آخر طرفداران دموکرات‌ها به هر دلیل به جمهوری‌خواهان رای دهند، آن گاه وضعیت کنونی در کنگره حفظ خواهد شد و جمهوری‌خواهان اکثریت را در کنگره در دست خواهند داشت. در این حالت حتی اگر چند کرسی را از دست بدهند باز ۲۱۸ کرسی یا بیشتر را در اختیار خواهند داشت اما به دلیل آن که اختلاف تعداد کرسی‌های در اختیار دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان کم است، تصویب هر لایحه یا قانون جدید مشکل خواهد بود؛ زیرا همراه کردن تمامی جمهوری‌خواهان دشوار است. البته برای سرمایه گذاران در بازارهای مالی صرفا این مهم است که کدام حزب اکثریت را در دو مجلس در اختیار دارد. در صورت تحقق سناریوی دوم، ترامپ برای اجرای برنامه‌های آینده خود از جمله اعمال تغییرات بیشتر در ساختار مالیات‌ها یعنی کاهش آن‌ها با موانع کمتری مواجه است، البته نمایندگان جمهوری‌خواه بر مبنای جو حاکم بر جامعه و تمایل شرکت‌ها، به آن چه ترامپ پیشنهاد می کند رای خواهند داد؛ زیرا برای آن‌ها انتخابات سال ۲۰۲۰ اهمیت زیادی دارد. در واقع آن چه مهم است کارنامه کلی حزب جمهوری‌خواه است بنابراین ترامپ و دولت او نمی‌توانند احساس راحتی کاملی داشته باشند. سناریوی سوم کسب اکثریت از سوی دموکرات‌ها در هر دو مجلس سنا و نمایندگان است. احتمال تحقق این سناریو بسیار کم است اما اگر چنین شود ترامپ با مشکلات بسیار زیادی برای اجرای برنامه‌های آینده و حتی حفظ دستاوردهای دو سال اخیر خود مواجه خواهد شد. در دو سال پایانی دوره ریاست جمهوری اوباما، دو مجلس سنا و نمایندگان در کنترل جمهوری‌خواهان بود و آن‌ها هر لایحه دولت را که ارائه می‌شد رد می کردند. حالا اگر وضعیت برعکس شود و دموکرات‌ها از فرصت پدید آمده برای تلافی آن دوره و معکوس کردن برنامه‌های ترامپ بهره خواهند برد هر چند ممکن است بر سر برخی موضوعات با ترامپ به توافق برسند اما شرایط برای ترامپ خطرناک خواهد شد. نکته بسیار مهم این است که پس از برگزاری انتخابات میان دوره‌ای، ابهام‌ها درباره آینده افزایش خواهد یافت؛ زیرا انتظار می‌رود تعداد بیشتری از دموکرات‌ها بر کرسی‌های دو مجلس تکیه بزنند و رفتار آن‌ها با ترامپ مشخص نیست به ویژه اگر جمهوری‌خواهان تعداد زیادی از کرسی‌ها را از دست بدهند وضعیت مبهم‌تر خواهد شد و تصویب هر برنامه یا لایحه به زمان طولانی نیاز خواهد داشت.

یوهان الام، اف ایکس استریت

نمای روز

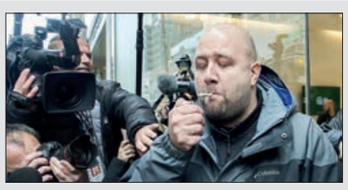

محاصره یک شهروند کانادایی توسط خبرنگاران و عکاسان؛ او نخستین ماری جوانای قانونی و رسمی خود را از فروشگاهی در شهر مونترال خریده و آن را روشن کرد.